



## سیاست‌گذاری مالی در ایران

اولیویه باسوانت

July 27, 2016



اقتصاد ایران، در چند سال اخیر، با چندین شوک منفی و شدید مواجه شده است. بنا بر تحقیقات ما، یکی از درس‌های مهمی که مسئولین ایرانی از این تحولات گرفته‌اند این است که باید چارچوب مالی کشور تقویت شود تا سیاست‌های مالی باعث تشدید تأثیرات شوک‌های وارده نشوند، بلکه بتوانند از ثبات اقتصادی حمایت کنند. چارچوب‌های مالی مورد استفاده در بسیاری از کشورهای دارای منابع غنی دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌تواند به نحو احسن توسط ایران نیز به کار گرفته شود. یکی از این ویژگی‌های مشترک چارچوب میان‌مدتی است که در ارتباطی مستقیم با کسری مالی غیرنفتی قرار دارد. پس از استقرار این چارچوب میان‌مدت، ایران خواهد توانست اقدام به وضع قواعد مالی نماید.

با برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی، امید به بهبود اقتصاد ایران بیشتر شده است. اکنون ایران کاملاً به بازار فروش نفت بازگشته و تولید و صدور نفت خود را افزایش داده. در عین حال، بخش غیرنفتی اقتصاد نیز به تدریج و به مرور زمان از کاهش هزینه‌های تجارت و تراکنش‌های مالی سود خواهد برد. اما هنوز چالش‌های بسیاری باقی است. برای مثال، یکی از این موانع عدم برخورداری ایران از سپرهای مالی کافی، به شکل دارایی‌های نقدی است. با شدت گرفتن تحریم‌ها در سال‌های 91 و 92، فقدان این فضای مالی سبب شد تا دولت ایران هزینه را کاهش دهد، که این خود باعث تشدید رکود اقتصادی در کشور شد. بنابراین، ایران باید اقدام به بازسازی سپرهای مالی خود نماید تا اقتصاد این کشور بتواند در مقابل شوک‌های آینده تاب آورد.

چالش دیگر این است که کاهش قیمت نفت به کمترین مقدار آن در دهه اخیر دولت ایران را از درآمدی بسیار ضروری محروم ساخته است. دولت هم‌اکنون سعی در کاهش تورم دارد، که خود نیازمند به کاهش کسری مالی است. دستیابی هم‌زمان به این دو هدف نیازمند یافتن منابع دیگر درآمد است. با کاهش قیمت نفت و درآمد دولت، مسئولین ایرانی باید به دنبال منابع غیرنفتی درآمد باشند، که از ثبات بیشتری برخوردار است.

اتخاذ راهبردی برای تقویت چارچوب مالی قادر خواهد بود ایران را در مقابله بهتر با این چالش‌ها یاری دهد. چهار حیطه زیر می‌تواند در کانون این راهبرد قرار گیرد.

- توصیه نخست این‌که مسئولین باید اقدام به تعیین اهداف مالی مشخص و درازمدت نمایند تا بتوانند کسری مالی غیرنفتی را در سطحی هماهنگ با بازده سرمایه حکومتی (عمدتاً حاصل از درآمد نفت) نگاهدارند. تحقق این هدف باعث پایداری برنامه‌های مالی و قابلیت پیش‌بینی سیاست‌های مالی خواهد گشت. با اتخاذ این روش، کسری ملی غیرنفتی فعلی (معادل 8/2 درصد درآمد ناخالص داخلی در سال‌های 93 و 94) باید در میان‌مدت به حدود 3 درصد کاهش یابد.
- ثانیاً، سیاست‌های مالی باید، در میان‌مدت، معطوف به (1) کاهش تعادل غیرنفتی، در حمایت از اهداف کاهش تورم و هماهنگ‌سازی کسری غیرنفتی با استفاده پایدار از درآمد نفت و (2) بازسازی سپرهای مالی، برای مثال، با ایجاد مجدد صندوق تثبیت نفت، یا سازوکاری شبیه به آن، باشد. همچنین، به مرور زمان، با افزایش دستیابی ایران به بازارهای مالی داخلی و بین‌المللی، نیاز کشور به سپرهایی از قبیل دارایی‌های مالی کاهش خواهد یافت.

- سوم این‌که، با افزایش سهم مالیات بر ارزش‌افزوده در درآمد کل کشور (هم‌راستا با تجربیات موفق کشورهای دیگر)، می‌توان، بدون افزایش کسری، مبالغ بیشتری را صرف توسعه کرد.
- نهایتاً، با تعیین اهداف مالی، مقامات خواهند توانست چارچوبی میان‌مدت برای تعیین سطوح هزینه به وجود آورند، که هماهنگ با اهداف کسری مالی و درآمدهای مورد انتظار باشد. تعیین سطوح هزینه در میان‌مدت می‌تواند، بخصوص، باعث تسهیل ارزیابی (1) فضای موجود برای افزایش هزینه‌های توسعه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت و (2) نیاز به تعدیلات مالی برای ایجاد فضا جهت پرداخت هزینه‌های مربوط به افزایش سن، یا افزایش نرخ سود پرداختی در میان‌مدت و بلندمدت شود.

با وضع قواعد مالی، ایران همچنین می‌تواند چارچوب مالی خود را استحکام بخشد. این قواعد می‌تواند ایران را در مدیریت درآمدهای نفتی یاری دهد. برای مثال، ایران می‌تواند، همچون دیگر کشورهای دارای منابع غنی، از قاعده هموارسازی قیمت استفاده کند، روشی که طی آن قیمت‌ها در طول مدت یک چرخه، و با اهداف بودجه‌بندی، هموارسازی می‌شوند تا اقتصاد کشور از اثرات منفی نوسانات شدید قیمت نفت در امان بماند. بعلاوه، قواعد مربوط به صرف هزینه‌ها از افزایش بیش‌ازحد سریع بودجه‌های تخصیص داده‌شده در زمان شکوفایی اقتصاد جلوگیری کرده و سپرهای مالی موجود را برای استفاده در مواقع بحرانی حفظ می‌کند. البته، برای اطمینان بیشتر از رعایت قواعد و مقررات و افزایش حمایت از اهداف آن‌ها، باید قواعد مالی حکم قانون پیدا کرده، با بودجه‌بندی مناسب همراه باشد و اجرای آن به‌طور منظم مورد پایش قرار گیرد.

\*\*\*\*\*

**اولیویه پاسدوانت** از اقتصاددانان ارشد صندوق بین‌المللی پول، و در حال حاضر، مسئول میز جمهوری اسلامی ایران است. وی در بخش‌های امور مالی و آفریقا در صندوق مشغول به کار بوده و طی این مدت، در امر سیاست‌گذاری مالی کسب تجربه نموده است. وی همچنین دارای مدرک دکترا در اقتصاد از دانشگاه سوربن در پاریس است و مقالاتی نیز در مورد رشد فراگیر اقتصادی، مدل‌سازی در اقتصاد کلان، هدف‌گذاری تورم، قواعد مالی و راهبردهای تعدیلات مالی منتشر ساخته است.